

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب

برلین - ۱۶ سپتمبر ۲۰۱۰

ترانه هائی از دیار هرات

(بخش دوم)

تن محنت کشی دارم خدایا
دل حسرت کشی دارم خدایا
ز شوق مسکن و داد غریبی
به سینه آتشی دارم خدایا

#####

نمی دانم دلم دیوانه کیست؟
کجا می گردد و در خانه کیست؟
نمی دانم دل سرگشته من
اسیر نرگس مستانه کیست؟

#####

عزیزم کاسه چشمم سرایت
میان هر دو دیده جای پایت
از آن ترسم که غافل پا نهی باز
نشیند خار مژگانم به پایت

#####

غم عشقت بیایان پرورم کرد
هوای بخت، بی بال و پرم کرد
به من گفتی صبوری کن صبوری
صبوری طرفه خاکی بر سرم کرد

#####

مگر شیر و پلنگی ای دل ای دل
به من دایم به جنگی ای دل ای دل
اگر دستم رسد خونت بریزم
ببینم تا چه رنگی ای دل ای دل

#####

دو زلفانت بود تار ربابم
چه می خواهی ازین حال خرابم
تو که با من سر یاری نداری
چرا هر نیمه شو آئی بخوابم

#####

اگر دردم یکی بودی چه بودی؟
اگر غم اندکی بودی چه بودی؟
بــــه بالینم حبیبی یا طیبی
ازین هردو یکی بودی چه بودی؟

#####

تو که نوشم نئی نیشم چرائی؟
تو که یارم نئی پیشم چرائی؟
تو که مرهم نئی ریش دلم را
نمك پاش دل ریشم چرائی؟

#####

ترانه های محلی گرد آوری شده در کشورهای دیگر حوزه فرهنگی زبان و ادبیات فارسی دری، به خوبی ممثل درد، رنج و آرزوهای مشترك همه مردمی اند که درین خطه تاکنون در کنار یکدیگر زیست نموده اند و ایام روزگار را حالا نیز مثل دیرینه و پارینه ها باهم قسمت می نمایند. بخشی ازین دوبیتیها با بال و پر اندیشه گوینده اولینش مال همه باشندگان این مرز و بوم فرهنگی شده است. بعضی ازین سروده های مشترك شاید همزمان و یا در دورانهای متفاوت چندین چکامه گو و خنیاگر داشته اند:

لبت با نیشکر می مانه جانا
قدت با چوب تر می مانه جانا
بده پنج بوسی از کنج لبانت
که داغت بر جگر می مانه جانا

#####

ستاره در هوا می بینم امشب
زمین در زیر پا می بینم امشب
خدایا مرگ ده تا جان سپارم
که یار از خود جدا می بینم امشب

#####

جوانی هم بهاری بود و بگذشت
بدستم گل اناری بود و بگذشت
میان — و دلیر الفتی بود
که آنهم روزگاری بود و بگذشت

#####

مسلمانان دلم یاد وطن کرد
نمی دانم وطن کی یاد من کرد
نمی دانم پدر بود یا — برادر
خوشش باشد هر آنکه یاد من کرد

#####

ازو بالا میآیه کـوک و کفتر
به حموم میروه مادر و دختر
به حموم میرن و صابون ندارن
غلام مادرم، دلداری دختر

#####

به قـربان دم دروازه میشم
صدایت مشنوم ایستاده میشم
صدایت مشنوم از دور و نزدیک
مثال غنچـه گل تازه میشم

#####

خودت گفتی که وعده در بهاره
بهار آمد دلم در انتظاره
بهار هر کسی عید است و نوروز
بهار عـاشقان دیدار یاره

#####

بدست انگشتی داری بمن چه؟
بدل صد مشتری داری بمن چه؟
دو تا لیمو که داری روی سینه
برای دیگری داری بمن چه؟

#####